

بیانیه پایانی همایش منطق بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور

مقام معظم رهبری در اولین دیدار خود با دولت سیزدهم در تاریخ ششم شهریور ماه سال ۱۴۰۰ و در اولین سالهای گام دوم انقلاب اسلامی بر بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور تاکید کردند. از همان آغاز این سوال مطرح بود که این بازسازی بر اساس چه مبانی، منطق و الگویی باید صورت پذیرد؟ از همان آوان پاسخ‌یابی علمی و کاربردی این پرسش مهم در قالب «مطالعات کارشناسی»، «مصاحبه‌های تخصصی با صاحب‌نظران و کاردیدگان»، «برگزاری نشست‌های علمی و کرسی‌های ترویجی» متعدد در دستور کار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و نهادهای دغدغه‌مند همکار قرار گرفت، و در پی آن، به انگیزه‌ی «گفتمان‌سازی»، «جلب مشارکت صاحب‌نظران» و جهت «ارائه‌ی حاصل مطالعات و اقدامات» مورد اشاره، حسب رایزنی و برگزاری یک رویداد علمی فراخور با عنوان «همایش ملی منطق بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» نیز تدارک دیده شد.

هرچند همه مطالعات و مطالب فراچنگ آمده در این مدت، در یک بیانیه نمی‌گنجد، ولی در حد ضرورت نکات مهمی را که توجه جدی بدانها در پاسخ به سوال کلیدی پیشگفته در قالب ارائه «منطق بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور، در چند بند تقدیم می‌شود:

۱. انقلاب اسلامی در ذات خود ماهیتی فرهنگی دارد و دولت اسلامی از آن جهت که متعهد به پیاده کردن آرمانهای اصیل انقلاب است، باید فرهنگ را از حاشیه به متن و از فرع به اصل تبدیل کند. نگاه دست‌چندمی، غیراولویت‌دار و غیرفوری به فرهنگ همان علت‌العللی است که آسیبهای فعلی فرهنگی را در پی داشته است. موفقیت کلان‌طرح بازسازی ساختار فرهنگی کشور بدون توجه به این اصل اصیل به طور کلی محال به نظر می‌رسد.

۲. «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» کلان‌مسئله‌ای است که از اضلاع و لایه‌های مختلفی برخوردار است، «سطحی‌نگری»، «شتاب‌زدگی» و «ناروشمندی» می‌تواند آسیب جدی به اساس این رهنمود راهبردی و دوران‌ساز وارد سازد. و این اقدام عمده، آن‌گاه انقلابی و کارساز خواهد بود که بصورت «علمی»، «زیربنایی»، «جامع‌نگر»، «واقع‌بینانه»، «خردمندانه»، «شجاعانه»، «جهادی» صورت بندد.

۳. «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» باید برآمده‌ی وضعیت پژوهی و مبتنی بر آسیب‌شناسی سلوک در بازه‌ی «چهل‌واژه‌ی اول انقلاب» در قلمرو شوون و امور فرهنگی، و دست کم برای یک چشم انداز چهل ساله دیگر طراحی شود.

۴. «بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور» باید مبتنی بر «مبانی نظام‌پردازی دینی» و «اصول نهادسازی صحیح علمی»، «اقتضائات چهل‌واژه‌ی دوم انقلاب»، بر ساخته بر «نظریه فرهنگ اسلامی»، با لحاظ «مختصات فرهنگ اصیل ایرانی»، «شرایط عصری» و «مقتضائات مخاطب‌شناختی» دقیق، صورت گیرد.

۵. «دیوان‌سالاری ستبر»، «نگاشت نهادی ناقص و غیرمتوازن»، «ساخت فرسوده» و «سکولاریسم پنهان»، چالش‌های جدی ساختار فرهنگی کنونی کشور است. بازسازی ساختار فرهنگی کشور باید علاجی برای این بیماری‌های فلج‌کننده باشد و در غیر این صورت اشکالات ساختار فعلی، در آینده مجدداً بازتولید خواهد شد.

۶. بازسازی انقلابی ساختار فرهنگ باید به «مقاوم‌سازی فرهنگ» و طراحی و تولید «فرهنگ مقاومتی» منجر گردد. این مهم وقتی رخ خواهد داد که اولاً: مولفه‌های درونی «فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی» محور بازسازی باشد و ثانیاً: در برابر تکانه‌های تهاجمات بیرونی که واقعیتی انکارناپذیر است و سالهاست که توسط استکبار جهانی با تمام توان و با ابتکارات دائماً نو شونده علیه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران اعمال می‌شود، راهبرد فعالانه و مبتکرانه داشته باشد.

۷. بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور باید مبتنی بر «نظریه دولت در حیطه فرهنگ» باشد. زیرا دولت‌گرایی حداکثری قطعاً صورت مطلوب ساختار فرهنگی کشور نیست، چراکه دیوان‌سالاری ناشی از آن از بین برنده‌ی خلاقیت‌ها و ظرفیتهای عظیم مردمی است و کج راه‌های در این بازسازی به شمار می‌رود. «نظریه دولت در فرهنگ» مشخص خواهد کرد که حیطه اختیارات دولت و مردم و نحوه تعامل آنها با هم در عرصه‌های مختلف فرهنگ چیست و چگونه خواهد بود. اهمیت اتخاذ راهبرد سیاستگذاری، تسهیل‌گری، نظارت و هدایت به جای تصدی‌گری و دخالت‌های نابجا خود را در این نظریه نشان خواهد داد.

۸. از «ساختار فرهنگی کشور» دو تلقی وجود دارد:

الف) ساختار به مثابه سیاستها، فرایندها، سازمانها و نهادهای حکومتی

ب) ساختار به مثابه نهادها و کانونهای فرهنگ‌ساز همچون دین، خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه، هنر و افکار عمومی.

نکته مهم این است که ساختار فرهنگی به معنای اول باید کاملاً بر محوریت استحکام، رشد و تکامل ساختارهای فرهنگی به معنای دوم طراحی شود و اقتضائات و نیازهای آنها را در تمام

- بخش‌های خود اعم از سیاستها، فرایندها و تعریف سازمانها و ماموریت‌های آنها مدنظر قرار دهد. عدم توجه به این مهم عملاً موجب عقیم ماندن آرمان بازسازی ساختار فرهنگی خواهد شد.
۹. در فرایند بازسازی ساختار فرهنگی و ساماندهی نهادهای فرهنگی، «پدیده‌ی فضای مجازی»، «فناوری‌های جدید» و «صنایع خلاق فرهنگی» و «تحولات چشم‌گیری» که در آنها رخ می‌دهد، از عوامل مهمی اند که به عنوان کانون‌های فرهنگ‌ساز جدید باید مورد توجه ویژه قرار گیرند.
۱۰. فرهنگ ذاتاً مخاطب محور است، از این جهت توجه به انواع مخاطبان، گونه‌شناسی آنها و اقتضائات و نیازهایشان باید محور جدی طراحی ساختارهای جدید فرهنگی باشد. این مهم «گرانیگاه اصلی طراحی ساختارهای جدید فرهنگی» است و عدم توجه به آن بمنزله نادیده گرفتن سنگ بنای اولیه طراحی خواهد بود.
- البته رعایت اقتضائات مخاطب ممکن است به تغییرات شگرف در کلیت و جزئیات ساختارهای فرهنگی موجود منجر شود و به همین جهت شجاعت تن دادن به این تغییرات باید در حاکمیت وجود داشته باشد. چراکه کار فرهنگی یعنی انتقال پیام و شرط اصلی اثربخشی پیام تنها در گرو توجه به شرایط، مختصات و نیازهای بالفعل و بالقوه مخاطبان پیام در همه طراحی‌ها حتی در طراحی ساختارهای نهادهای فرهنگی است. توجه به این مهم شرط لازم و قطعی تامین کارآمدی و اثربخشی ساختارهای فرهنگی است و عدم توجه به آن یکی از ریشه‌های آسیب‌های ساختار فعلی است.
۱۱. گذشته نشان می‌دهد، یکی از آفتهای مهم حوزه فرهنگ انفعال، عدم باور و روزمره شدن بخش زیادی از مسئولین و کارگزاران فرهنگی کشور است. از این جهت به دلیل اینکه موفقیت ساختارهای فرهنگی در گرو برخورداری از نیروی انسانی کارآمد است، بازسازی ساختار فرهنگ باید منجر به جوان‌سازی و نوسازی انسانی ساختار فرهنگ کشور شود.
۱۲. یکی از گلوگاه‌های عمده ساختار فرهنگی، نظام آموزشی رسمی در سطوح مختلف است که در حکم جان و قلب ساختار فرهنگی بوده و نیازمند دگرگونی اساسی است. از آنجا که این نظام، دستخوش کاستی‌هایی است که با ترمیم‌های سطحی و اصلاح‌های موردی، برطرف نمی‌شوند، نظریه تحول درباره آنها مطرح گردید تا در سایه آن، یک اتفاق ریشه‌ای رخ داده و یک معماری دوباره و انقلابی ساختاری در آن صورت گیرد. در این خصوص، هرگز نباید به لایه‌ای فروتر از بازانديشي در معماری نظام آموزشی و انقلاب ساختاری در آن قناعت نمود. تأخیر و تعلل در اجرای «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» یا روایت‌های اداری و قشری از آن، تلاش‌های دیگر را برای بازسازی انقلابی در ساختار فرهنگی، خنثی و زمین‌گیر می‌کند و توان حرکت را از تصمیم‌گیران، کارگزاران و فعالان می‌ستاند. باید باور عمیق به ضرورت و قطعیت چنین تحولی در کارگزاران نظام آموزشی ایجاد شود و آن‌گاه در این امتداد، برنامه اقدام، تدارک شود.

۱۳. بازسازی ساختار فرهنگی کشور نیازمند مطالعات عمیق و همه جانبه است از این جهت استفاده حداکثری از ظرفیت علمی حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، اندیشکده‌ها و نخبگان و اساتید فرهنگی و علمی در انجام مطالعات مبنایی، سیاستی، آینده‌پژوهانه، آسیب‌شناسانه و همه مراحل طراحی‌های مربوط به بازسازی فرهنگی ضرورتی انکار ناپذیر است.

۱۴. مطالعات انجام شده در پاسخ به سوال مبنایی، منطق و الگوی بازسازی و بازطراحی ساختار فرهنگی کشور در میانه راه است. از این جهت پیشنهاد می‌شود دبیرخانه منطق و شیوه بازسازی ساختار فرهنگی کشور ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی تاسیس شود تا مطالعات نظری این مهم را با کمک تمام نهادهای علمی و پژوهشی موثر کشور تا نقطه مطلوب پیش ببرد. در پایان، از همه دستگاه‌های مشارکت کننده در برگزاری همایش منطق بازسازی ساختار فرهنگی کشور از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما و بخصوص شهرداری تهران و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران که در رویکرد جدید خود با دغدغه‌ای ستودنی و با ورودی تخصصی در موضوع و همکاری و همراهی در برگزاری این همایش حضوری جدی و موثر داشتند کمال تشکر و قدردانی را داریم.

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

دبیرخانه همایش بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور

۲۳ / مهرماه / ۱۴۰۱